

نقد کارگری بر سندیکای کارگری؛ ضرورت نقد در برابر خطای ناگزیر

حسین اکبری

درست در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۸۴ در مقاله‌ی تحت عنوان سخن سندیکایی که قسمت‌هایی از آن در روزنامه شرق و تقریباً تمامی آن در روزنامه صاحب قلم انتشار یافت، ضمن توضیح شرایطی که جنبش سندیکایی در آن قرار داشت، سازمان‌های سندیکایی (سندیکا و هیات‌های موسس سندیکایی) را به مواردی چند توجه دادم که از بابت آن مقاله مورد خشم آنارشیست‌های هرج و مرج طلب و مخالفان فعالیت‌های سندیکایی قرار گرفتم. امروز پس از گذشت بیش از یک سال و نیم از انتشار آن مقاله و بنا به حساسیت‌های موجودی که اگر به آنها بی‌اعتنایی شود قطعاً نتایج زیانباری نصیب کارگران خواهد شد، ناچار از تاکید بر بخشی از آن مقاله، ضروری می‌دانم به نقد فعالیت‌های سندیکایی حاضر بپردازم باشد که از این طریق دوستان سندیکایی را حداقل به اندیشه و ارزیابی پیرامون آنچه بر آنان گذشت وادارم تا شاید با درس‌گیری از تجارب خوب و بد آن دوره و جلوگیری پرداخت هزینه‌هایی که می‌توانست در کمترین حد ممکن به بار آید، امروز گام‌های استوار و مطمئن بردارند. آن روز که سخن سندیکایی انتشار یافت، بسیاری از فعالان کارگری ضمن درستی آن، بروز رخداد‌های نیمه دوم سال ۸۴ و تبعات ناشی از آن را گریز ناپذیر می‌دانستند و بر این باور بودند که مطالبات انباشته کارگران و نادرستی برخورد کارفرمایان و نهاد‌های مداخله‌گر چنین شرایطی را رقم زده است و خطاهای ناگزیر در رفتار‌های سندیکایی را باعث می‌شود. هر چند بنا به دلایلی امروز هم در مقام ارزیابی و نقد آنچه گذشته است قرار ندارم اما اعتقاد دارم که چنانچه رفتار‌های دور جدید فعالیت‌های سندیکایی نقد نشود، امکان دارد همه آن دستاوردهای سال‌ها تلاش همه دلسوزان و آگاهان و نیروهای مخلص کارگری هوادار فعالیت‌های سندیکایی، از دست برود و این دور از خیزش طبقه کارگر ایران عمری کوتاه و در خدمت آمال و اهداف سرمایه‌داری نولیبرال و اربابان خارجی آن قرار گیرد.

به هر حال بررسی آنچه بر سندیکای کارگران شرکت واحد گذشت تا حدودی که بتواند راهگشای این سندیکا در آینده باشد در قالب ارزیابی اهداف سندیکا از سویی و مخالفان آن (اعم از کارفرما و خانه کارگر و مجموعه محافل حکومتی که بنا به هر دلیلی موافق ایجاد سندیکا نبودند) از سوی دیگر و دستیابی هر یک از دو نیرو به اهدافشان، ضرورت دارد.

اهداف سندیکا و کارگران هوادار و عضو آن عبارت بود از؛

- ۱- به رسمیت شناخته شدن سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و رفع محدودیت از کارگران سندیکایی
- ۲- پاسخگویی کارفرما به خواست‌های صنفی اعلام شده براساس مذاکره و از راه‌های مسالمت‌آمیز
- ۳- برگزاری یک دادگاه عادلانه برای محاکمه مهاجمان به کارگران سندیکایی و اجرای عدالت درباره آنان.

اهداف مخالفان سندیکا نیز عبارت بود از؛

- ۱- جلوگیری از فعالیت سندیکایی به هر قیمت و با هر بهانه و حفظ شوراهای موجود
- ۲- جلوگیری از اشاعه و رواج فرهنگ سندیکایی با سرکوب کارگران سندیکایی و مرعوب کردن سایر کارگران

۳- خاتمه دادن به پرونده تهاجم به دفتر سندیکایی یا جهت دادن به محتویات آن پرونده علیه شاکیان آن از طریق ایجاد پرونده جدید

نتایج کنش ها و واکنش های طرفین نتوانست برای هیچ یک از آنها نتیجه رضایت بخشی دربر داشته باشد. ولی به دلیل عملکرد بسیار نادرست، غیرقانونی و غیرانسانی مجموعه مخالفان سندیکا، بازنده اصلی این شرایط تحمیل شده بر کارگران، مخالفان سندیکا بودند و دستاورد اصلی این میدان در نهایت عبارت بود از پذیرش اصل مسلم و قانونی حق آزادانه ایجاد سازمان های سندیکایی کارگری در نزد افکار عمومی و بخش قابل توجهی از احزاب و شکستن تابوی سندیکاخواهی در نزد آنان و رنگ باختن حربه توسل به اتهام ضدانقلابی بودن هر حرکت اجتماعی کارگران. حقانیت کارگران سندیکایی با حمله مهاجمان به سندیکا قطعیت یافته بود و مورد توجه جدی محافل کارگری ایران و جهان و همچنین سازمان بین المللی کار قرار گرفته بود. بی شک چنانچه رویداد های نیمه دوم سال ۸۴ هم حادث نمی شد، این روند بی بازگشت ادامه پیدا می کرد. از سوی دیگر کارگران هزینه های بسیاری پرداختند که بخشی از آن با توجه به اهدافی که مخالفان سندیکا در نظر داشتند، اجتناب ناپذیر بود ولی به میزان زیادی هم امکان کاهش این هزینه ها وجود داشت. بخش زیادی از خواسته های کارگران معوق ماند. تعدادی بیشتری از کارگران اخراج شدند و تعدادی پس از دادن تعهدات الزام آور به کار بازگشتند. امکانات ارتباط با بدنه کارگری ضعیف شد. فرآیند فراگیر شدن فعالیت سندیکایی در شرکت واحد اتوبوسرانی بسیار کند شد. عواملی که موجب شد در اهداف ضد سندیکایی تحقق نیابد عبارت بودند از؛

۱- مقاومت و پایداری اعضای سندیکا و تکیه بر مطالبات و خواست های صنفی و اصرار بر صنفی و قانونی بودن فعالیت های سندیکایی و حفظ روحیه همبستگی سندیکایی

۲- حمایت بی دریغ مردم و به ویژه گروه ها و احزاب از این فعالیت ها

۳- انتشار وسیع و به موقع اخبار و گزارشات حوادث و رویدادهای مربوط به سندیکا در سطح ملی و بین المللی توسط روزنامه نگاران

۴- حمایت و همبستگی سازمان های کارگری جهان از سندیکای کارگری شرکت واحد و از آن طریق فشار بر سازمان بین المللی کار برای رسیدگی به مصائب کارگران

امروز سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی با مجموعه بی از مشکلات درگیر است. بخش عمده بی از این مشکلات تحمیلی و برای فرسایش توان و کاهش اعتقاد به راهی است که کارگران سندیکایی برگزیده اند. پاره بی از مشکلات اقتصادی است که در صورت تداوم می تواند خانواده های کارگران را به استیصال بکشاند. خوشبختانه تلاش شعورمند و بی وقفه عناصری از هیات مدیره در پیگیری حقوقی شکایات کارگران برای لغو احکام اخراج و برگشت به کار اخراجی ها و تامین اندکی از هزینه های اقتصادی از طریق اجرای ماده ۱۸ قانون کار توانسته است از شدت فشارهای اقتصادی و روانی بکاهد، اما از طرف دیگر خستگی راهی که رفته اند و مجموعه عواملی چند، آنها را از قرار گرفتن در مسیر زندگی عادی اتحادیه بی باز می دارد به همین خاطر ضمن یادآوری بخش هایی از توصیه های گذشته به نقد این مجموعه عوامل بازدارنده خواهیم پرداخت با این امید که دوستان سندیکایی این نقد را به عنوان سخنی که از دل بر می آید پذیرا باشند. در «سخن سندیکایی» با تاکید بر دعوت به ارزیابی دقیق شرایط آمده بود؛

«اینکه سرمایه داران و عوامل آنها تا چه میزان توان درک شرایط موجود را دارند و تا چه حد به عقلانیت متکی به منافع طرفین دست یابند چیزی است که از اختیار ما خارج است اما اینکه فعالان سندیکایی به مجموعه ارزیابی های درستی از شرایط موجود پردازند و اوضاع و احوال موجود را از پس تغییرات دوره پی انتخابات ریاست جمهوری و پیامد های احتمالی آن را به دقت ارزیابی کنند و میزان توانایی های خود را برای برداشتن گام های بعدی، سنجیده و سپس به اتخاذ تاکتیک پردازند، انتظاری است منطقی و دوری از آن نشان از خامی، کم تجربگی، جو زدگی و توهم ناشی از موقعیت آنان در پی موفقیت های نسبی یک ساله اخیر دارد.» و پس از آن نکاتی را برای اینکه فعالان سندیکایی ما دریابند که با نداشتن امکانات و داشتن محدودیت های فراوان و توسعه نیافتگی مدنی موجود چگونه رفتار کنند تا؛

۱- جنبش سندیکایی و فعالیت سندیکاها و اتحادیه ها رواج، توسعه و قوام و دوام لازم را بیابد

۲- مطالبات کارگری در حد طرح درخواست باقی نماند و خواست های کارگران حتی الامکان با پرداخت حداقل هزینه تامین شود.

۳- حرکت های صنفی به دریافت واکنش های مثبت و قابل اعتنا از جانب مسوولان دست یابد

۴- کارگران با هویت و شخصیت حقوقی و اجتماعی اتحادیه بی شان شناخته شده و رشد یابند و مورد سوءاستفاده سیاسی واقع نشوند.

۵- مجموعه تحرکات صنفی در تحلیل نهایی به سلامت روند تولید و خدمات اجتماعی بینجامد و عناصر فرصت طلب و رانت خوار درگردونه تولید و خدمات امکان سوءاستفاده از این تحرکات را نیابند.

۶- مسئولین دریابند که در سایه مشارکت عمومی و توجه به سهم کارگران در مقابل نقش شان در فرآیند کار و تولید، شعار های عدالت خواهی و مردم گرایی تحقق می یابد و چنانچه آنان بخواهند به شعار های شان پایبند باشند جز از این طریق آن را میسر ندانند.

۷- کارگران درستی کوشش های اتحادیه بی را باور کنند و از این طریق به جمع سندیکایی ها بپیوندند.

۸- فعالیت سندیکایی - اتحادیه بی به ایجاد ثبات شغلی و امنیت آن و آرامش در جامعه کارگری بینجامد به گونه بی که شعار عضویت در سندیکا = امنیت شغلی به یک اصل برای کارگران بدل شود.

۹- درستی نظریات کارگران در اتحادیه ها، دولت، احزاب و جمعیت ها را وادارد تا به آرای کارگران احترام بگذارند و از دخالت های قیم مآبانه در زندگی اتحادیه بی کارگران بپرهیزند.

و سخن آخر اینکه بحران موجود را کاهش دهد و با اقتدار و آگاهی و هوشمندی نشان دهد که در صورت به حساب آمدن قادر است به رفع بحران ها یاری رساند. با کمی دقت درمی یابیم که همیشه در همین بحران های اجتماعی - اقتصادی، طبقه کارگر ایران قربانی شده است. فعالان کارگری و سندیکایی ها ضمن پاسخگویی به وظایف آنی که جنبش سندیکایی به عهده شان گذارده است یک رسالت تاریخی هم دارند. آنان وظیفه مندند این بار که جنبش سندیکایی از دل سال ها بی اعتنایی سر برمی آورد، به آنچنان فرمول هایی دست یابند تا تلاش آنان منجر به رشد و شکوفایی جنبش سندیکایی، توسعه دانش کارگری شود و افزایش اعتبار زندگی اتحادیه بی در میان کارگران و جامعه را در پی داشته باشد. به اعتبار همین مطالب، امروز هم ضرورت نقد رفتار های سندیکایی وظیفه بی است که می تواند وضعیت کنونی

جنبش سندیکایی را از انحرافات جدی و آلودگی های سیاسی برحذر دارد و بی توجهی و چشم پوشی برخطاهای احتمالی فعالان و سازمان های سندیکایی، در برابر آیندگان و تاریخ غیر قابل بخشش خواهد بود.

و اما ارزیابی وضعیت کنونی؛

۱- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در بدو تشکیل هزاران امضای واقعی و در روز انتخابات صد ها رای مستند را به عنوان پشتوانه به اداره کار مربوطه برای ثبت ارائه داد. علی القاعده امروز باید از حمایت تعداد بیشتری از اعضای رسمی سندیکایی برخوردار باشد،

۲- سندیکای کارگران واحد در شروع کار دارای نشریه یی با عنوان «پیک سندیکا» بود که در آن به طرح مشکلات و خواست ها و مطالبات کارگران می پرداخت و بعضی مطالب آموزشی را در آن انتشار می داد و علی الاصول باید این نشریه امروز پر بارتر و با مضامین آموزشی پخته تر انتشار می یافت. هر چند که این سندیکا در حال حاضر دارای یک نشریه اینترنتی است اما آیا ۱۷ هزار کارگر شرکت واحد قادر به مراجعه به این سایت هستند؟

۳- سندیکای کارگران واحد با عنایت به کمک های برادرانه کارگران نانوا دارای محلی موقت برای برگزاری کنفرانس های آموزشی خود بود و امروز ناگزیر از امکانات محدودی است که از جانب تعدادی از اعضا تامین می شود. ۴- از مجموعه شعار های مطالباتی که توسط سندیکا طرح شد، چند درصد به دست آمده است؟ در حال حاضر واحد مربوطه به سرعت و شدت به سوی خصوصی سازی می رود و تغییرات ساختاری واحد کار تغییراتی در زندگی کارگران ایجاد خواهد کرد، سندیکا در این باره چکار می تواند بکند؟

۵- چه میزان از انرژی رهبران سندیکایی به امور مربوط به همه کارگران صرف می شود در حالی که این سندیکا با همه توان خود در عین داشتن امکانات حقوقی مناسب و وکلای دلسوز، ناگزیر به پرداختن به دادگاه های حل اختلاف برای بازگشت به کار اعضای هیات مدیره و فعالان اخراجی به سرکاری می شود؟

۶- رفتار های سندیکایی اعضای فعلی این سازمان کارگری و در رأس آن اعضای هیات مدیره تا چه اندازه منطبق بر مقررات اساسنامه است؟ آیا نهاد های داخلی سندیکا به وظایف شان واقفند و به آن عمل می کنند؟ این موارد حداقل موضوعاتی است که یک سندیکا باید به آنها توجه و پایدندی نشان دهد. در واقع کمترین وظایف سندیکا در شش عبارت خلاصه می شود؛

۱- توسعه کمی سندیکا (فراگیر شدن آن در حداقل نصف «یک کارگران واحد مربوطه»)

۲- توسعه کیفی سندیکا (بالا رفتن دانش سندیکایی اعضا از طریق عمل به وظایف آموزشی و تبلیغ و ترویج اصول کار سندیکایی)

۳- ثبات تشکیلاتی (داشتن دفتر و دایر بودن ادارات سندیکا و انجام به روز وظایف از طریق کارکرد به موقع نهاد های سندیکایی)

۴- برنامه ریزی امور سندیکایی و رهایی از روزمرگی.

۵- بررسی مشکلات کارگران، ارزیابی راه حل ها و کار بست راهکار های حقوقی و قانونی برای حل مشکلات

۶- ایجاد نظم سندیکایی و پرهیز از رفتار هایی که مغایر با اهداف سندیکا است.

برای هر یک از موارد شش گانه بالا به یک برنامه کارشناسی شده و زمان بندی دقیق نیاز است که بیش از نیروی

فعلی سندیکا را می‌طلبد. توسعه کمی سندیکا می‌طلبد که طی برنامه مصوب هیات مدیره و پیشبرد آن توسط کمیسیون تشکیلات هر عضو موظف شود تا زمان معینی با کار تبلیغی مناسب اعضای جدید را به تشکیلات جذب کند. این عمل در صورتی امکان‌پذیر است که برنامه‌های تبلیغی و آموزشی مناسب با استفاده از همه امکانات و از آن جمله پیک سندیکایی، از طریق هیات مدیره در دستور کار کمیسیون‌های تبلیغات و آموزش قرار گیرد و این برنامه‌ها بی‌وقفه اجرایی شود. در صورت رعایت این وظایف افکار و ذهنیات اعضای سندیکا منظم می‌شود و در نتیجه این نظم ذهنی همگانی ثبات شخصیتی در اعضا به عنوان اجزای موثر در کل سندیکا به دست می‌آید. در ارتباط با همین تلاش‌های ضروری است که اعضای سندیکا نیاز به تامین منابع مالی پاک و سالم را برای پیشبرد مقاصد سندیکایی حس می‌کنند و اعتبارات ناشی از حق عضویت معنی پیدا می‌کند.

کمیسیون مالی سندیکا مطابق با همین برنامه ریزی‌ها اعتبارات لازم را در قالب بودجه مصوب در اختیار بخش‌های مختلف باید قرار دهد و به دلیل نیاز به این اعتبارات راه‌های تامین بودجه مطابق آنچه در اساسنامه آمده است توسط کمیسیون مالی پیگیری می‌شود. وقتی عضوی به سندیکا وارد می‌شد با آمدنش دنیایی از امکانات را به سندیکا می‌آورد که این امکانات باید توسط رهبران سندیکا کشف شود و در عین حال با ورود هر عضو خواست‌های بی‌شمار و انتظارات زیادی با سندیکا بیان می‌شود که پرداختن به آنها نیازمند برنامه ریزی و کار اجرایی است و این همان چیزی است که سندیکا را از روزمرگی نجات می‌دهد. این همان چیزی است که روحیه مشارکت را در بین کارگران ایجاد می‌کند، رشد می‌دهد و آنها را به کادر‌های شایسته‌ی هم برای سندیکا و هم برای خانواده و اجتماع و کشور بدل می‌کند و این همان سرمایه‌ی بی‌است که جنبش کارگری ما در حال حاضر از آن محروم است. این همان چیزی است که اعتماد به نفس را به جای خودشیفتگی فریبده می‌نشانند و باعث محدود شدن خودمحوری و فردمحوری در سندیکا می‌شود، ادامه تمرین مشارکت و جمع‌محوری از طریق سندیکا به خانواده و اجتماع سرایت می‌کند. این اندکی از رفتارهای سندیکایی است که باید در یک سندیکای نوپا جاری شود. اینها نه خیالات واهی بلکه ضروریات انکارناپذیری است که متأسفانه تاکنون درک نشده‌اند. آیا سندیکای شرکت واحد چنین رفتاری دارد؟

متأسفانه از مجموعه رفتارهای موجود نمی‌توان این توجه و پایبندی را دید و حتی احساس کرد. رهبران سندیکا بیشترین انرژی و وقت خود را ناچار در رفع تبعات ناشی از اتفاقات یک سال و نیم گذشته به کار می‌برند. این امری است ناگزیر اما همه ماجرا نیست.

کثرت مانورهای تبلیغاتی بجا و نابجا و مصاحبه‌های فراوان با رسانه‌هایی که از نظر مردم بی‌اعتبارند و با بودجه‌کنگره امریکا فعالیت می‌کنند یا مصاحبه مستقیم با صدای امریکا، آیا این نوع رفتارها بهانه‌ی علیه سندیکا و طرح تئوری توطئه خارجی از جانب مخالفان فعالیت‌های سندیکایی به دست نمی‌دهد؟

حضور در محافلی که بودن در آنجا نه تنها دردی را از سندیکا دوا نمی‌کند بلکه بر اساس تعهدات ناشی از این حضور، باری بر دوش سندیکا قرار می‌گیرد. این کارها تا چه حد مورد قبول اکثریت اعضا و رهبران سندیکایی است؟ آیا ضرورت کار تبلیغی و ترویجی بین کارگران واحد مربوطه در درجه اول اهمیت است یا حضور در یک جمع دانشجویی در یک دانشگاه برای طرح مباحث آسیب‌شناسانه جنبش کارگری؟

شایسته‌تر نیست که به فرزندان دانشجویان مان توصیه کنیم که پاسخ خود را از اساتید علوم اجتماعی و صلاحیت‌دار

در این وادی بخواهند و کارگران به زیرساخت های زندگی اتحادیه یی شان بپردازند؟ بی تردید امروز وظیفه یی که کارگران سندیکایی بر دوش دارند بسیار سنگین تر از گذشته است

جنبش سندیکایی در کلیت خویش راه خود را می رود اما سندیکای کارگران واحد در یک آزمون جدی در برابر کارگران همان شرکت قرار گرفته است و برای ماندگاری باید به تک تک اعضای خود تکیه کند و از خودکامگی در اداره و پیشبرد سیاست هایی که ممکن است بین رهبران سندیکایی و توده اعضای سندیکا فاصله اندازد به شدت و آگاهانه فاصله بگیرد. اولویت ها را بشناسد و از حل شدن در روزمرگی بپرهیزد.

سندیکای کارگری شرکت واحد اعلام داشته است که به استقبال مجمع عمومی خود می رود. تدارک مجمع عمومی کاری است بسیار پراهمیت و در شرایط کنونی که متأسفانه هنوز در بین مسوولان ما چه در وزارت کار و چه در وزارتخانه های کشور و اطلاعات پذیرش این حق مسلم قانونی و رعایت آن التزامی متصور نیست، کاری سخت است و باید متکی به راهکار های عاقلانه باشد که این امر مهم را تا حد امکان بدون پرداخت هیچ هزینه یی به انجام رساند. مهمترین بخش این ماجرا تقویت این باور است که سندیکا سازمان صنفی کارگران است و در جهت بهبود شرایط زندگی اعضای خود فعالیت خواهد کرد. این باور با شعارهای بلندپروازانه و آتشین که دیگران یعنی همان کسانی که با اصل سندیکا مخالف بودند و پس از مطرح شدن سندیکا به دایه های مهربان تر از مادر بدل شدند مغایر است. کارگران ایران و از جمله کارگران شرکت واحد قبل از هر چیز باید بتوانند شاغل باشند و با شغل خود به حفظ کرامت انسانی و زندگی شرافتمندانه خویش ادامه دهند و سندیکا باید بتواند این باور که عضویت در سندیکا برابر با حفظ شغل و زندگی شرافتمندانه است را در تک تک اعضا نهادینه کند.

حسین اکبری